

**A New Glance on Verb Mood in  
Persian Language**  
Nosrat Naseri Mashhadi<sup>1</sup>

**نگاهی تازه به بحث وجه فعل در زبان فارسی**  
نصرت ناصری مشهدی<sup>۱</sup>

**Abstract**

Many researches and studies have been conducted in the field of Persian grammar the result of which is valuable and important. However, there are still many answer-free questions about this, indicating the necessity of the more exact scientific studies. One of these is verb mood with numerous questions such as: Is there a comprehensive definition for the mood as one of the verb features? Is the structure important or function to determine the verb mood? On the other word, is the mood a grammatical category or grammatical-semantic one? Regarding the researchers' point of view about the field of the verb mood, how many moods can be accepted definitely, not over lapping other categories?

Studying and criticizing the available researches and summarizing adding up the materials indicate that firstly, a specific definition for the mood is essential based on which multiple classifications can be presented. Secondly, the verb mood in the sentence is arguable; therefore, in this grammatical category, the function is important. Furthermore, all the approved moods can be studied according to three main moods off affirmative, subjunctive and imperative. The final purpose of this research is to apply these achievements in today Persian grammar.

Key words: Persian grammar, verb mood, structure and functions

1. Assistante Professore of Persian language and literature at payam nour university of Mashhad

**چکیده:**

وجه فعل از جمله مباحث زبانی است که هم در دستور زبان و هم در زبان‌شناسی و شاخه معنی‌شناسی آن مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفته است؛ با وجود این هنوز سوالات متعددی در این زمینه وجود دارد که پاسخ قاطعی به آن داده نشده و قابل طرح و بررسی است. پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده، با این هدف شکل گرفته است که با مقایسه دیدگاه دستورنویسان و زبان‌شناسان و با توجه به کاربردهای گوناگون فعل در زبان، پاسخی بیابد برای سؤالی از این نوع که آیا این مبحث را می‌توان تنها با نگاه ساختاری در زبان تحلیل کرد؟ و در تقسیم‌بندی‌های ارائه شده چه اختلاف نظرهایی وجود دارد و جامع‌ترین تقسیم‌بندی در این میان کدام است؟ بررسی منابع موجود در این زمینه نشان می‌دهد که با توجه به کاربردهای زبانی، نمی‌توان تنها با نگاه ساختاری به این مقوله پرداخت؛ همچنین مقایسه دیدگاه‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که تقسیم‌بندی‌های ارائه شده جامع نیست و نمی‌توان برخی از بخش‌ها را معجزاً در نظر گرفت زیرا با قسمت‌های دیگر هم‌پوشانی دارد؛ در ضمن لازم است معیارهای جدیدی برای تشخیص وجه در جمله ارائه شود.

**کلیدواژه‌ها:** دستور زبان فارسی؛ زبان‌شناسی؛ وجه فعل؛ وجهیت.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

مشهد [n.naseri@pnu.ac.ir](mailto:n.naseri@pnu.ac.ir)

## ۱- مقدمه:

مطالعه و بررسی تحقیقات موجود در زمینه دستور زبان فارسی بویژه از هنگامی که مطالعات زبان‌شناسی پرتو جدیدی بر این علم افکنده نشان می‌دهد هنوز مباحث متعددی در زمینه‌های مختلف دستوری وجود دارد که طرح مجدد آن ضروری است. یکی از این مباحث، وجه فعل است که در تعریف و انواع آن اختلاف نظر وجود دارد. به‌طور کلی نگاه و نظر دستورنویسان به وجه فعل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- گروهی که با نگاه ساختاری وجه را جنبه‌ای از فعل به‌شمار آورده و به کاربرد فعل در جمله توجهی نکرده‌اند.

ب- گروهی که وجه را تلقی‌گوینده در باره‌ی عمل فعل از نظر قطعی بودن یا نبودن و یا امری بودن آن در نظر گرفته‌اند و به‌طور ضمنی به کاربرد فعل نیز اشاره‌ای کرده‌اند.

زبان‌شناسان نظر گروه دوم را برای وجهیت (وجه از نظر معنایی) به کار می‌برند و بین وجه دستوری و معنایی تمایز قائلند اما تعریفی از وجه دستوری ارائه نداده‌اند؛ از این رو جنبه دیگر محل اختلاف؛ ساختاری یا معنایی بودن وجه است.

میان زبان‌شناسان و دستورنویسان در مورد سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری اتفاق نظر وجود دارد و در کنار این سه وجه، وجوه دیگری از قبیل: وجه شرطی، مصدری، وصفی، تاکیدی، غیرشخصی، پرسشی و حتی خنثی نیز مطرح شده که قابل بحث و بررسی است.

در پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی شکل گرفته، هدف آن است که با مقایسه آرای دستورنویسان و زبان‌شناسان در مورد وجه و وجهیت معیارهای تازه‌ای برای تشخیص وجه فعل و وجهیت آن ارائه شود. به‌طور دقیق‌تر می‌توان سؤالات زیر را در باره مبحث وجه و وجهیت مطرح کرد:

- آیا می‌توان وجه را ویژگی فعل، جدای از کاربرد در نظر گرفت؟

- چه تقسیم‌بندی‌هایی برای وجه فعل می‌توان در نظر گرفت که با هم، هم‌پوشانی نداشته باشند؟

بدیهی است در هر مبحث دستوری رسیدن به یک نظر واحد، شناخت موضوع را آسان‌تر می‌کند و ذهن را از آشفتگی و تردید می‌رهاند. بنابراین لازم است ابتدا دیدگاه‌های مختلف، بر اساس کاربردها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا از برآیند آن‌ها توصیف بهتر و دقیق‌تری از موضوع ارائه شود. بازنگری این مبحث حداقل می‌تواند راه را برای مطالعات و تحقیقات بعدی جهت رسیدن به یک نظر جامع هموار سازد.

۱-۱ پیشینه تحقیق: تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد وجه فعل انجام شده است که برخی از این تحقیقات به عنوان مرجعی برای پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته و در بخش منابع و مأخذ آمده است. اما چند مأخذ دیگر نیز موجود است که با اهداف متفاوتی انجام گرفته و با نقد و تحلیلی که در این پژوهش مدنظر بوده متفاوت است. کارهایی مانند:

- بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی، جمشید مظاهری و همکاران، مجله

دستور نویسی زبان فارسی - و دیگر آثاری که تا امروز در این زمینه تألیف شده برمی آید، وجه اخباری و یقینی بودن آن، وجه التزامی و عدم قطعیت و احتمالی بودن آن و وجه امری و طلبی بودن آن، مورد تأیید همگان است. در این تقسیم بندی در وجه التزامی غیر از شک و تردید به امید، آرزو، شرط، دعا و حتی خواهش و پند نیز اشاره شده است اما این مباحث به طور دقیق شکافته نشده تا نشان دهند از نظر ساختار دستوری چه تفاوتی میان خواهش و پند با امر وجود دارد یا وقتی ساخت اخباری فعل در جمله ای به کار می رود که عدم قطعیت انجام فعل بوسیله قیدی مشخص می شود، چگونه درباره وجه فعل باید نظر داد.

پس از میرزا حبیب اصفهانی آنچه مؤلفان دستور زبان فارسی پنج استاد به مطالب قبل از خود افزوده اند در مورد فعل التزامی است که آن را به دلیل این که پیرو جمله دیگری است، وجه «مطبعی» خوانده اند (قریب و همکاران، ۱۳۷۳: ۱۹۹-۱۹۸). این نکته - یعنی وابسته به جمله دیگر بودن وجه التزامی - نکته مهمی است که می تواند به عنوان یکی از کاربردهای فعل با ساخت التزامی در نظر گرفته شود.

خیام پور نیز در دستور زبان فارسی خود برای فعل سه وجه در نظر گرفته و وجه شرطی را ذیل وجه التزامی قرار داده است همچنین خواهش را صورتی از وجه امری می داند و نه التزامی (خیام پور، ۱۳۹۲: ۸۴) در حالی که میرزا حبیب و قریب شرط را وجهی علاوه بر سه وجه اصلی در نظر گرفته اند و خواهش را ذیل فعل التزامی مطرح می کنند.

محمد جواد شریعت نیز ضمن تأیید سه وجه اصلی، اولاً نگاهی معنایی به وجه دارد و معتقد است وجه فعل با معنی فعل ارتباط مستقیم دارد؛ بنابراین اگرچه ظاهراً

مطالعات و پژوهش های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، پیاپی ۳۸ (پاییز ۱۳۸۳) صص ۹۵-۱۰۸.

- نقد و تحلیل انواع وجه فعلی در فارسی، منوچهر اکبری، مونا ولی پور، نشریه ادب فارسی، دانشگاه تهران، سال ششم، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، صص ۱-۱۵.

- مفهوم مقوله وجه در زبان روسی و مقایسه آن در زبان فارسی، مصطفی اسدی، نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۳۵ (سال ۱۳۸۵)، صص ۱۳.

- به کارگیری ساخت مجهول و وجه فعل در بندهای متممی، محمدرضا پهلوان نژاد، شراره خالقی زاده، پژوهش نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی-زبانان، سال سوم، شماره ۶ (بهار)

از این میان تنها مقاله دوم یعنی "نقد و تحلیل انواع وجه فعلی در زبان فارسی" در مقدمه مشابهت هایی با پژوهش حاضر دارد اما تحلیل ها و نتیجه گیری متفاوت است.

## ۲- مباحث اصلی:

### ۲-۱- نقد و بررسی آرای دستور نویسان زبان فارسی در مورد وجه فعل:

همه صاحب نظران و دانش پژوهان زبان فارسی، تقسیم بندی سه گانه: اخباری، التزامی و امری را برای وجه پذیرفته اند اما در مورد وجوه دیگری جز این سه وجه اصلی مانند: وجه شرطی، مصدری، وصفی و غیره نظر یکسانی ارائه نداده اند.

در مورد وجوه سه گانه اصلی باید گفت آنچه از کهن ترین دستورها - مانند دستور سخن یا خلاصه آن دبستان پارسی از میرزا حبیب اصفهانی به عنوان پیشرو در قلمرو

در وجه التزامی به فعلی دیگر؛ در این اثر نیز تمایز مباحث اصلی به گونه‌ای نیست که همپوشانی نداشته باشد مثلاً با در نظر گرفتن وابستگی فعل برای وجه التزامی وجه شرطی قطعاً در این شمار قرار می‌گیرد.

انوری و گیوی نیز در دستور زبان ۱ و ۲ خود چیزی به این مطالب نیفزوده‌اند. فقط با تأیید سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری برای عدم پذیرش وجوه شرطی، وصفی و مصدری دلایلی آورده‌اند که کلیت آن منطقی به نظر می‌رسد اما با جزئیات به آن پرداخته نشده است. این نویسندگان معتقدند وجه شرطی چون فعل را ملتمزم به وجود شرط می‌کند خود نوعی از وجه التزامی است، وجه وصفی چون فعل در زمان‌های مختلف به صورت صفت مفعولی درمی‌آید در واقع وجه فعل پس از خود را دارد و وجه مصدری نیز فعل نیست بلکه از انواع اسم است و اگر بتوان در مواردی برای آن وجهی قائل شد باید گفت از وجه التزامی است زیرا یکی از مفاهیم التزام مانند لزوم و اراده را می‌رساند و در این صورت باید آن را با جزء قبلی یک‌جا فعل به شمار آورد نه تنها مصدر را (انوری - گیوی، ۱۳۹۲: ۷۷).

استدلال این نویسندگان در مورد وجه وصفی منطقی به نظر می‌رسد اما در مورد وجه شرطی لازم است توجه داشته باشیم که التزام به امر دیگر همیشه ساختار فعل را به شکل التزامی در نمی‌آورد؛ به عنوان مثال همین جمله - ای که نویسنده شاهد آورده است: "اگر درس بخوانی قبول می‌شوی یا اگر درس بخوانی قبول خواهی شد" این جمله‌ها یکی از صورت‌های بیان مطلب است و می‌توان آن را به شکل دیگری نیز بیان کرد:

اگر درس می‌خوانی، حتماً قبول می‌شوی (قبول خواهی شد).

نشانه‌هایی نیز در آن وجود داشته باشد نباید شکل ظاهری ملاکی برای تشخیص و تعیین وجه قرار گیرد در ثانی وجوه مصدری، وصفی و شرطی را برای فعل نمی‌پذیرد و چنین استدلال می‌کند که وجه مصدری ترکیبی است از فعل و فاعل؛ مانند: باید گفت و می‌توان گفت یا از فعل و مفعول مانند: تواند گفت. همچنین وجه وصفی صفتی است مفعولی یا مفعولی به جای فاعلی که به جای فعل، کار یکی از وجوه سه‌گانه اصلی را انجام می‌دهد و وجه شرطی نیز داخل وجه التزامی قرار می‌گیرد و صیغه مخصوص ندارد همچنین در تعیین وجوه، سوالی یا مثبت و منفی بودن تأثیری ندارد (شریعت، ۱۳۶۷: ۱۳۲-۱۳۰).

چنان که ملاحظه می‌شود شریعت وجه را معنایی در نظر گرفته اما توضیح نداده است که اگر صورت فعل ملاکی برای تشخیص وجه نباشد چه معیار دیگری باید در نظر گرفته شود همچنین استدلالی که برای رد وجه مصدری ارائه شده نامفهوم است و نمی‌توان بر این اساس در مورد وجه مصدری نظر داد.

ناتل خانلری علاوه بر سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری به وجه شرطی نیز به عنوان وجه چهارم اشاره می‌کند و یقین‌گوینده را برای وجه اخباری و غیرمسلم بودن آن را برای وجه التزامی در نظر می‌گیرد. وی معتقد است در وجه التزامی «ذهن و عواطف گوینده با جریان فعل درمی‌آمیزد و گوینده در این حالت میل و آرزو، قصد، اختیار یا تردید، پیش‌بینی یا فرض، منع یا شرط یا موافقت خود را در ضمن بیان جریان فعل اظهار می‌کند» (ناتل خانلری، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۳۰۶).

دو نکته اساسی در مطلب خانلری قابل توجه است: یکی آمیختگی عواطف گوینده با جریان فعل که تاکنون کسی به آن توجهی نداشته و نکته دیگر وابستگی فعل

را ملاقات کرده) که خالی از فعل کمکی مذکور است،  
وجه فعل کدام است؟

نظر وحیدیان کامیار در مورد فعل التزامی این است که  
فعل در صورتی به وجه التزامی به کار می‌رود که وقوع  
آن به صورت الزام، تردید، توصیه، شرط، دعا یا میل  
مطرح شود.

در این مورد نیز می‌توان پرسید که مثلا اگر مادری  
کودک خود را با جمله‌های زیر ملزم به انجام کار کند،  
وجه فعل کدام است؟

"الان به اتاقت می‌روی، همه چیز را مرتب می‌کنی و  
اگر همه تکالیفت را انجام دادی برمی‌گردی و تا همه  
این‌ها را انجام نداده‌ای بر نمی‌گردی."

چنان که ملاحظه می‌شود جمله برای توصیه یا الزام و  
شرط و امر به کار رفته اما ساخت فعل اخباری است.

وحیدیان در بخش وجه التزامی می‌گوید: «جمله‌ای که  
در وجه التزامی باشد با یکی از عوامل التزامی ساز باید،  
شاید، کاش، مبادا، اگر و برخی از فعل‌های دیگر مثل  
خواستن و توانستن همراه است. همچنین بعد از فعل‌هایی  
که معنی یقین در آن نباشد فعل التزامی است: رفتم که  
او را ببینم.» (همان، ۱۳۸۰: ص ۵۵)

چنان که ملاحظه می‌شود در بند بالا اولا اشاره شده  
جمله‌ای که در وجه التزامی باشد و نه فعل به تنهایی. که  
خود نکته‌ای درخور تأمل است؛ ثانيا در ادامه بحث چرا  
در معنی فعل «رفتم» یقین نیست! زیرا این فعل چه با  
زمان گذشته به کار رفته باشد و چه گذشته به جای آینده  
یعنی ماضی محقق الوقوع در هر دو صورت قطعیت فعل  
محرز است و التزامی آمدن فعل بعد از آن فقط به دلیل  
وابستگی دو جمله به وجود آمده است.

نکته دیگری که در گفته‌های وحیدیان مطرح شده آن  
است که ماضی استمراری و ماضی بعید ساخت التزامی

چنان که ملاحظه می‌شود در این نمونه‌ها وابستگی افعال  
در جمله‌ها وجود دارد اما الزاما فعل ساخت التزامی  
ندارد. در مورد وجه مصدری نیز این استدلال که مصدر  
فعل نیست درست است اما این که بلافاصله اشاره می-  
شود که: «اگر بتوان برای آن وجهی قائل شد...» خود  
دلیلی برای وجود تردید در این زمینه است و نشان می-  
دهد لازم است مطلب بیشتر مورد بررسی قرار گیرد؛  
همچنین فعل به‌شمار آوردن مصدر با جزء قبلی نیز  
مشخص نشده چگونه است.

وحیدیان کامیار هم ضمن تأیید سه وجه اصلی، وجه را  
چنین تعریف می‌کند: «تلقی گوینده یا نویسنده از جمله  
یعنی مسلم یا نامسلم بودن یا امری بودن فعل را وجه  
گویند» (وحیدیان، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۷). وی در مورد وجه  
اخباری علاوه بر یقین گوینده به وقوع فعل و قطعی  
بودن آن، به بی‌طرفی گوینده نیز اشاره می‌کند. سپس با  
نگاهی ساختارگرایانه ابراز می‌دارد که:

الف- همه ساخت‌های افعال جز ماضی التزامی و  
مضارع التزامی و دو ساخت امر از وجه اخباری‌اند.  
ب- هرگاه فعل گذشته، از فعل‌های کمکی باشم،  
باشی و... خالی باشد از وجه اخباری است.  
پ- وجه اخباری در مضارع با تکواژ وجهی (می) همراه  
است.

در این جا چند نکته قابل تأمل است؛ مثلا در مورد مطلب  
شماره یک باید گفت درست است که ساخت فعل  
اخباری است اما وجه فعل چیست؟ مثلا در جمله (شاید  
او به دانشکده رفته است) که ساخت فعل اخباری است  
وجه چگونه مشخص می‌شود؟

در مورد دوم نیز این سوال مطرح است که در جمله‌ای  
مانند) شاید او دیروز به دانشکده رفته است و دوستش

این است که جمله با هر وجهی می‌تواند مؤکد هم باشد. یعنی خبر مؤکد یا امر مؤکد. فرشیدورد نکاتی را در مورد وجه فعل مطرح کرده سپس به چند مسأله به عنوان یادآوری اشاره می‌کند که خود نقدی است بر بسیاری از مطالبی که قبلاً در مورد وجه اظهار داشته. مثلاً نشانه‌های لفظی و ساختاری وجه اخباری را پیشوند صرفی "می" در نظر می‌گیرد اما بلافاصله خاطر نشان می‌کند که همه فعل‌های وجه اخباری با این پیشوند همراه نیست مانند ماضی نقلی، مستقبل و ماضی بعید. همچنین در ادامه بحث گفته است که بعضی از ساختمان‌های وجه اخباری گاهی به جای وجه التزامی هم به کار می‌روند و آن در صورتی است که پس از "فعل" و "کلماتی" بیایند که از نشانه‌های وجه التزامی است مانند: شاید می‌رفت یا شاید رفته است. در مورد پیشوند صرفی "ب" نیز بحثی مشابه همین مطرح شده که ساختمان فعل‌هایی مانند: بروم، بروی، برود و ... که با پیشوند صرفی "ب" ساخته می‌شود بین وجه امری، التزامی و تأکیدی مشترک است. اما توضیحی نمی‌دهد که در اینصورت وجه افتراق این وجوه کدام است. حتی وجه اخباری را نیز می‌توان به این موارد اضافه نمود مثلاً در جمله: "دارم به دانشکده می‌روم که در امتحان شرکت بکنم" چه عدم قطعیتی در خبر وجود دارد؟ مگر این که عدم قطعیت را برای فعلی در نظر بگیریم که هنوز انجام نشده است - یعنی تأثیر زمان در وجه - در صورتی که "خواهم رفت" فعلی با وجه اخباری در نظر گرفته شده است. سرانجام فرشیدورد به این نتیجه می‌رسد که برای تشخیص وجه فعل گاهی یک نشانه و گاهی دو یا چند علامت لازم است این نکته مهمی است که نشان می‌دهد وجه فعل تنها از ساختار فعل مشخص

خاصی ندارد و بعد از عوامل التزامی ساز هم همان ساخت اخباری به کار می‌رود. این نکته نشان می‌دهد که وجه تنها از فعل قابل استنباط نیست. آخرین مطلبی که وحیدیان در مورد وجه التزامی بیان داشته آن است که «فعل التزامی گاه بدون عوامل التزامی ساز نیز می‌آید که بیشتر جنبه توصیه، دعا یا آرزو دارد: نامه بنویسی، غذا هم بخوریم.. خدا خیرتان بدهد». چنان که ملاحظه می‌شود در ژرف ساخت هر کدام از نمونه‌های مذکور عوامل التزامی سازی مانند "لازم است، باید یا امیدوارم که" وجود دارد.

فرشیدورد در مورد وجه فعل مفصل‌تر از دیگران بحث کرده است (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۳۷۹-۳۹۷). وی وجه را صورت یا جنبه‌ای از فعل می‌داند که بر اخبار و احتمال و امر و آرزو و تمنا و تأکید و امید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند و سه یا چهار وجه متصرف اخباری، التزامی، امری و تأکیدی و دو وجه غیر متصرف مصدری و وجهی را معرفی می‌کند و برای وجه اخباری قطعیت و یقین، برای وجه التزامی احتمالی بودن یا وابستگی، برای وجه امری هر نوع طلبی اعم از فرمان، خواهش، خواست و تمنا را در نظر می‌گیرد و وجه تأکیدی را دال بر تأکید و خواست و فرمان می‌داند که ممکن است با «باید» و «لازمست» همراه باشد یا نباشد. اولاً این نکته که با قاطعیت چهار وجه را مشخص نمی‌کند نشان می‌دهد که در مورد وجه چهارم تردید وجود دارد. در ضمن وقتی گفته شده که وجه تأکیدی بر تأکید و خواست و فرمان دلالت می‌کند و امروز با "باید" و "لازم است" و مترادف‌های آن‌ها می‌آید تفاوتی میان وجه تأکیدی یا امری و التزامی مشخص نشده و معلوم نیست که راه شناخت این وجوه کدام است؟ و وجه مربوط به جنبه معنایی فعل است یا ساختاری؟ نکته دیگر

با فعل‌های آغازین « شروع کردن » و « گرفتن » همراه است که فعل‌هایی با متمم اجباری هستند. در مورد فعل-های غیرشخصی خیلی بحث نشده و جا دارد که تحقیق دقیق‌تری صورت گیرد اما کاربرد ها نشان می‌دهد که این نوع فعل، هم می‌تواند در یک جمله خبری یا امری یا التزامی به کار رود؛ مانند: همیشه حقیقت را باید گفت (خبری). - شاید همیشه همه حقیقت را نتوان گفت (التزامی). - حقیقت را باید گفت (امری و معادل جمله: حقیقت را بگو). همچنین در مورد فعل‌های آغازین: او شروع کرد به گریه کردن (جمله خبری). - شاید او وقتی تو را دید شروع کرد به داد و فریاد کردن. یا شاید وقتی او تو را ببیند شروع کند به داد و فریاد کردن (التزامی). - شروع کن به درس خواندن (امری). آخرین بحثی که فرشیدورد در مورد وجه مطرح کرده ساختمان‌های مشترک و مختص وجه ساز است که وجه فعل را از نظر ساختمان به دو نوع مختص و مشترک تقسیم نموده، می‌گوید: «مختص آنست که به یک وجه اختصاص دارد؛ مانند وجه مصدری و وصفی و مشترک یعنی آن که بین دو یا سه وجه مشترک است؛ مانند ماضی بعید و استمراری که بین وجه التزامی و اخباری مشترک است. بنابراین ما امروز از نظر وجه فعل دو نوع ساختمان داریم: ۱- ساختمان‌های مختص به یکی از وجوه مانند ساختمان وجه مصدری... و مضارع اخباری (می‌رود) و... ۲- ساختمان‌های مشترک بین دو یا چند وجه مانند ساختمان فعلهایی مانند (بروم، بروی.. که بین مضارع التزامی و وجه تأکیدی مشترک است.» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۵۰). با توجه به مطالب مذکور، اولاً این سوال مطرح خواهد بود که چه عامل یا عواملی برای شناخت وجه در ساختمان‌های مشترک در نظر گرفته

نمی‌گردد بلکه لازم است در جمله مطرح شود و این یعنی کاربرد فعل در جمله. فرشیدورد فعل التزامی را التزامی، وابسته یا احتمالی نامیده است و در ادامه بحث اشاره کرده که فعل التزامی معمولاً در جمله مستقل نمی‌آید بلکه غالباً در جمله‌واره-های پیرو و وابسته به کار می‌رود. این نکته‌ای است که دیگران هم به آن اشاره کرده بودند و از این نظر اهمیت دارد که نشان می‌دهد یکی از کاربردهای فعل التزامی وابستگی آن به فعل دیگر است و نه عدم قطعیت آن. شاید به همین دلیل است که برای جمله‌های دعایی که آن را در شمار وجه التزامی قرار می‌دهد یک جمله پایه مانند: "دعا می‌کنم که..." در نظر می‌گیرد. دو وجه دیگر وجوه مصدری و وصفی است که فرشیدورد به دلیل نداشتن صورت کامل صرفی و تبعیت از فعلی که این افعال جانشین آن می‌شود با عنوان وجوه غیرمتصرف یا تبعی از آن یاد کرده است. اما در مورد وجه وصفی یا فعل وصفی سخن پایانی فرشیدورد آن است که «فعل وصفی اگرچه از لحاظ ساختمان، وجهی جداگانه به شمار می‌رود ولی از نظر معنی چنین نیست زیرا جانشین افعال و وجوه دیگر می‌شود و هم بر اخبار و هم بر احتمال و هم بر امر و هم بر مصدر دلالت می‌کند.» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۴۸) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وجه وصفی وجهی جداگانه نیست؛ بلکه فعلی است با صورتی معین که می‌تواند جایگزین فعل-های دیگر با هر وجهی بشود. وجه مصدری نیز فعلی در نظر گرفته شده که به صورت مصدر درآمده باشد، نمونه‌های ارائه شده نشان می‌دهد که از این دیدگاه وجه مصدری یا از گروه فعلهای غیر شخصی است که با افعال شبه معین باید، بایست و توانستن ساخته می‌شود مانند: «رفت» در «باید رفت» یا

می‌شود؟ ثانیاً فعل "می‌رود" یا "دارد می‌رود" در جمله-هایی مانند: "شاید او به مدرسه می‌رود" یا "اگر او به مدرسه می‌رود شش سالش تمام شده است" هم کاربرد دارد بنابراین نمی‌تواند مختص باشد؛ از طرفی وقتی نویسنده در مورد وجه وصفی گفته می‌تواند جانشین فعل‌هایی با وجوه دیگر شود، چه تفاوتی با فعل‌هایی دارد که ساختمان مشترک دارند؟

درعین حال از میان دستورنویسان زبان فارسی، تنها فرشیدورد است که به مهم‌ترین مسأله موجود در مورد وجه، یعنی کاربرد وجه فعل در جمله و جمله‌واره اشاره می‌کند. وی بحث خود را با این نتیجه خاتمه می‌دهد که: «نشانه وجه فعل گاهی حاصل معنی کلمه یا حرف ربط مربوط به آن است نه تابع ساختمان آن کلمه یا حرف ربط... این امر ثابت می‌کند نظریه‌های مکتب ساختگرایی در زبان کلیت ندارد و اشکال دستوری گاهی هم به جای این که تابع ساختمان زبان باشند تابع معنی می‌شوند. بنابراین در توجیحات دستوری از ساختمان زبان و معنی هر دو باید بهره جست.» (همان، ۱۳۹۲: ۳۴۶)

این مطلب برای نتیجه‌گیری در پژوهش حاضر بسیار اهمیت دارد که در ادامه به آن استناد خواهیم جست.

## ۲-۲- بررسی آرای برخی از زبان‌شناسان

### در مورد وجه فعل:

پژوهش‌گرانی همچون شفائی، رحیمیان، عموزاده، ماهوتیان، مدرسی، فتوحی و ... وجه فعل را با نگاه میان رشته‌ای زبان‌شناسی- دستوری مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند که در این جا فقط به نکات تازه مرتبط با این بحث اشاره می‌کنیم.

شفایی در کتاب مبانی علمی دستور زبان فارسی در بخش صرف، ضمن نقد نظر برخی از دستورنویسان

در مورد وجه، اصطلاح "زمره گرامری وجه" را با این تعریف به کار برده که: «وجه عبارت از مناسبات گوینده یا نویسنده نسبت به طرز اجرای عملی است که توسط فعل بیان می‌شود. هرگاه این مناسبات با وسایل گرامری (مرفمهای شکلساز) بیان می‌شود زمره گرامری وجه بوجود می‌آید.» (شفایی، ۱۳۶۳: ۸۸) وی معتقد است نباید زمره گرامری وجه و زمان را درهم آمیخت و فقط وجود سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری را در زبان فارسی تأیید می‌کند و وجه شرطی را چون از نظر ساخت با التزامی یکی است وجه التزامی- شرطی نامگذاری کرده است (همان: ۸۷-۹۸).

نظر این نویسنده از چند جنبه قابل توجه است: ابتدا با توجه به تعریفی که ایشان برای وجه در نظر گرفته یعنی "مناسبات گوینده یا نویسنده نسبت به طرز اجرای عمل"؛ این سوال مطرح می‌شود که اگر گوینده خبری را به صورت مؤکد بیان دارد- که خود نوعی ابراز عقیده در مورد خبر است- آیا وجه تغییر خواهد کرد؟ همچنین شواهد نشان می‌دهند که همیشه و تنها این مناسبات توسط فعل با مرفم‌های شکل‌ساز قابل بیان نیست. - مثلاً در جمله‌هایی مانند: ۱- شاید او دارد به دانشکده می‌رود. ۲- اگر به دانشکده می‌روی من هم با تو می‌آیم.- شاید به همین دلیل است که در ادامه بحث، خود نویسنده این قانون را نقض کرده، بیان می‌دارد: «اصطلاح معنایی- گرامری نیز بدان جهت به کار برده شد که زمره‌ی وجه بنابر تعریفی که از آن شد بیان مناسبات گوینده با اجرای عمل مندرج در فعل است و به طوری که می‌دانیم هرگونه مناسبات ذهنی یا بوسیله عناصر معنایی افاده می‌شود و یا به مدد عناصر گرامری. وجه التزامی نیز گاهی صرفاً تحت تأثیر معنای عمومی جمله و بدون دخالت عناصر گرامری بیان می‌شود... بنابراین



از واژه آزاد تا وند را دربرمی گیرد.» (همایون فر، ۱۳۹۲: ۵۲).

رحیمیان در مقاله‌ای با عنوان "وجه فعل در فارسی امروز" مدعی است ضمن توصیف انواع وجه و نقش-های مربوط به آن، تمایز آشکاری بین جنبه صوری و معنایی وجه ایجاد خواهد نمود و نشان خواهد داد که وجه از نظر صوری، همواره براساس فعل جمله قابل تعریف است. وی معتقد است وجه از نظر معنا اصولاً به نگرش متکلم به وقوع یک واقعه اطلاق می‌شود و اگر گوینده وقوع واقعه‌ای را بدون هیچ قید و شرطی اعلام دارد "مثلاً جمله: مهدی دارد گزارش را می‌خواند" یا نیاز به وقوع آن را مطرح سازد: "مانند: مهدی گزارش را بخوان" وجه فعل متفاوت است و از نظر صورت و جوه فعل به دو دسته کلی اخباری و غیراخباری تقسیم می‌شود. وجه اخباری تنها یک عضو و وجه غیراخباری دو عضو دارد شامل التزامی و امری. فعلی که با پیشوند فعلی "می" همراه باشد و یا پیشوند فعلی "ب" را نپذیرد مسلماً دارای وجه اخباری است و هرگاه فعل واژگانی با پیشوند فعلی "ب" همراه باشد و یا بتواند بدون هیچ تغییر معنایی آن را بپذیرد وجه آن غیراخباری است (رحیمیان، ۱۳۷۸: ۵۲-۴۱).

اما با توجه به جمله‌هایی مانند: "الف- مهدی دارد گزارش را می‌خواند. ب- یقیناً مهدی دارد گزارش را می‌خواند. پ- شاید مهدی دارد گزارش را می‌خواند." این سوال‌ها مطرح می‌شود که:

الف- وجه فعل در جمله‌های مذکور از نظر معنا و صورت چگونه مشخص یا متمایز می‌شود؟

ب- آیا وجه فعل از نظر معنا و صورت متفاوت

است؟

چنانچه بخواهیم تمام جوانب و اطراف این انگیزه‌ها را در بحث صرف دربرگیریم کاری بینهایت دشوار و حتی غیرممکن خواهد بود.» (شفایی، ۱۳۶۳: ۹۴). نکته دیگر آن است که اگر وقتی مرفم‌های ساخت شرطی فعل با التزامی یکی است آن را التزامی- شرطی بنامیم، وجوه دیگر را نیز می‌توان با همین دلیل در نامگذاری ادغام کرد؛ مانند: اخباری- شرطی (اگر حرف مشاور را می‌پذیری.. و اگر حرف مشاور را بپذیری...) یا التزامی- امری (باید بروید و بروید) و..

این پژوهشگر در رد وجه مصدری می‌گوید مصدر کاری نیست که از کسی سر بزند بلکه نام عمل و کار و حالت است و هرگز نمی‌تواند نمودار مناسبات گوینده با طرز اجرای عمل باشد (همان، ۸۹). اما بیش از این توضیحی در این زمینه نداده است.

از دیدگاه زبان‌شناسی، وجه و وجهیت دو امر در نظر گرفته شده است که به طریقی با هم مرتبطند. به بیان ساده وجه از نظر معنا را وجهیت و وجه از نظر صورت را وجه نامیده‌اند اما تأکید کرده‌اند که گرچه «وجهیت بیشتر در کانون مطالعات معناشناختی قرار دارد رویکرد معناشناختی صرف مسلماً نمی‌تواند ابعاد مختلف توصیفی و نظری پدیده مذکور را روشن سازد و لازم است موضوع وجهیت براساس رویکرد میان حوزه‌ای بررسی شود.» (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲: ۴۰-۲۱). اکثر این صاحب‌نظران با نظر پالمر در این زمینه همراه هستند که لازم می‌داند وجهیت، با نگاهی معنایی- دستوری مورد بررسی قرار گیرد و به بیانی دیگر گفته شده «گویشور زبان برای انتقال وجهیت در کلام خود از عناصر وجهی‌ای که هر زبانی دسته‌ای از آن را به- کار می‌گیرد، استفاده می‌کند. این عناصر طیف وسیعی

پیروی است که پایه آن حذف شده و در واقع به این شکل بوده است: من می‌خواهم مقداری استراحت کنم. شاید به همین دلیل در ادامه تأکید شده که کاربردهای غیروابسته وجه التزامی فراوان و متنوع است و نیاز به تحقیق بیشتری دارد؛ اما توضیح بیشتری داده نشده که منظور از این کاربردهای متنوع و غیروابسته وجه التزامی چیست.

فتوحی در کتاب "سبک‌شناسی" خود برای نشان دادن بازتاب دیدگاه نویسنده در نحو به مسأله وجهیت اشاره می‌کند و معتقد است: «وجهیت، عبارت است از میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به‌طور ضمنی به وسیله‌ی عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور (کنش غیربیانی) یا قصد کلی یک گوینده یا درجه‌ی پابندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است و وجه مقوله‌ای است نحوی - معنایی که نظر و دیدگاه گوینده را در جمله نسبت به موضوع سخنی که بیان می‌کند نشان می‌دهد» بنابراین جمله‌ای مانند: "اصفهان پایتخت ایران نیست" یک جمله خنثی و فاقد وجهیت است زیرا در آن نشانی از شک و تردید یا نگرشی خاص نسبت به موضوع از طرف گوینده نیست.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵) علاوه بر فتوحی برخی دیگر از زبان‌شناسان نیز جمله‌ای را که فاقد اظهار نظر خاصی از جانب گوینده باشد گزاره خنثی در نظر گرفته‌اند؛ زیرا معتقدند «مقوله وجهیت، بار معنایی خاصی را به گزاره خنثای موجود در پاره‌گفت می‌افزاید. بنابراین می‌توان گفت که وجهیت تنها با صحت و سقم گزاره‌ها سر و کار ندارد بلکه دربردارنده طیف گسترده‌ای از مفاهیم و معانی است که امکان، ضرورت، استنتاج، تأکید، واقع‌شدگی یا عدم وقوع، تردید، اراده و توانایی از آن جمله است. بدین ترتیب

رحیمیان در ادامه بحث می‌افزاید: «وجه اخباری را می‌توان تنها با دو صورت گذشته تام و استمراری و یک صورت مضارع به کار برد... و فعل گذشته استمراری و یا غیرگذشته با وجه اخباری را می‌توان با فعل معین باید و یا کلماتی چون شاید و کاشکی نیز به کار برد.» (همان، ص ۴۷-۴۸). اولاً باید پرسید چرا تنها با گذشته تام و استمراری؟ و اگر فعلی با زمان گذشته نقلی یا بعید باشد نمی‌تواند اخباری باشد؟ ثانیاً اگر فعلی با وجه اخباری با کلماتی چون شاید و کاشکی بیاید در چه وجهی است؟ در ضمن هر چند نویسنده در پایان مجدداً تأکید می‌کند که ایجاد تمایزی روشن میان وجه از نظر صوری و معنایی ضروری است، باز خود می‌گوید: «بسیاری از جمله‌هایی که بر وقوع مشروط رخداد دلالت دارد دارای فعل با وجه التزامی است و برعکس اکثر صورت‌هایی که نشان‌گر وقوع بی‌قید و شرط رخداد هستند وجه فعلی اخباری دارند هر چند در هر دو مورد استثنای زیادی یافت می‌شود.» (همان، ۵۱). بنابراین مسلم است در مواردی که استثنا وجود داشته باشد نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد. از نظر ایشان وجه فعل گاهی بر وقوع بی‌قید و شرط رخداد و زمانی بر وقوع مشروط آن دلالت دارد که بر این اساس جملات موجود زبان به وابسته و غیروابسته دسته‌بندی می‌شوند که وابستگی جمله تنها به صورت فعل مربوط نمی‌شود؛ بلکه عوامل دیگری نیز از قبیل نوع فعل، وجود بعضی از قیود و یا حتی واژگانی خاص در بیان وابستگی نقش دارند» (همان، ص ۴۶) در ادامه بحث اشاره شده که وجه التزامی - که در شمار وابسته‌ها معرفی شده - می‌تواند در ساخت‌هایی که عدم وابستگی فعل را نشان می‌دهد نیز به کار رود، مانند: من مقداری استراحت کنم (همان، ۴۸). چنان که ملاحظه می‌شود این جمله، جمله

یکی از سه وجه اخباری، التزامی و امری قرار می‌گیرد. وی برای وجه التزامی نقش‌های دعایی، منظوری، بایدی، امکان، احتمالی، پیمانی، و میزان قطعیت را برمی‌شمارد. در این جا باز هم این سوال بی‌پاسخ می‌ماند که اگر وجه را "صورتی از ساختار فعل" در نظر بگیریم جایی که ساختار خبری با استفاده از قیدی احتمالی بودن فعل را بیان نماید، چه قضاوتی در مورد وجه خواهیم داشت؟ در ضمن ایشان تأکید کرده‌اند که وقوع صیغه-های التزامی همیشه همراه و وابسته به وقوع یک فعل دیگر است و التزامی یعنی وابسته بودن (مدرسی، ۱۳۸۷: ۴۴۴). این نکته که دیگران هم به آن اشاره کرده بودند قابل توجه است اما اگر امروز "شاید" را به عنوان قید شک و تردید در نظر بگیریم قانون وابستگی فعل التزامی نقض می‌شود در ضمن وابستگی جمله‌ای به جمله دیگر همیشه با فعل التزامی همراه نیست یعنی در جمله پیرو جمله‌های مرکب همیشه ساخت فعل التزامی نیست: «به سراغ من اگر می‌آیید پشت هیچستانم».

عموزاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی» به رابطه زمان دستوری و وجهیت اشاره کرده که موضوعی درخور توجه است. این پژوهشگر با تأیید این تعریف که وجهیت نشانگر نظر گوینده در مورد گزاره است، آن را مقوله‌ای معنایی در نظر گرفته که درجه امکان و یا ضرورت گزاره مطرح شده را نشان می‌دهد (عموزاده، ۱۳۹۱: ۶۰). وی معتقد است از آنجا که وجهیت پدیده‌ای ذاتا کاربرد شناختی است توجه به بافت برای درک معانی وجهی اجتناب-ناپذیر است سپس با بررسی کارکردهای وجهی زمان دستوری در زبان فارسی - مانند نشان دادن قطعیت انجام عمل در آینده با استفاده از فعل گذشته مانند: رفتم که در جلسه شرکت کنم یا فرضی بودن گزاره و عدم

وجهیت نه تنها اسباب سنجش عینی وقایع را فراهم می‌کند بلکه به نوعی جهت‌گیری و نگرش ذهنی گوینده در ارتباط با محتوای عبارات را نیز نشان می‌دهد» (نقی-زاده، محمود، ۱۳۹۰: ۳).

دکتر فتوحی با توجه به نظریه وجهیت در بررسی ادبیات - که وجهیت را کیفیت‌های بیان امور و نیز هر نوع دخالت گوینده در بیان یک موضوع، در نظر می‌گیرند - جهت‌گیری گوینده را در سه مقوله‌ی فعل، قید و صفت مورد بررسی قرار داده است و بیشتر در بخش معنایی و میزان و درجات قاطعیت گوینده با استفاده از قید و صفت در وجوه سه‌گانه اصلی بحث نموده است. حتی در بخشی که نمود وجهیت در فعل را بررسی کرده از جوهری یاد می‌کند که نمود معنایی جمله را شکل می‌دهند و پس از وجه اخباری به وجه التزامی اشاره کرده و خاطر نشان می‌سازد که وجه امر و شرط را نیز در شمار وجه التزامی آورده است اما در واقع تعریفی برای وجه التزامی ارائه نداده است. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که گرچه نویسنده اشاره کرده که وجه مقوله‌ای نحوی - معنایی است و تعریفی از قول فرشیدورد برای وجه فعل بیان نموده؛ اما به بخش نحوی آن توجهی نداشته و مثلاً وجه امری را با التزامی یکی در نظر گرفته است. در واقع نویسنده همان وجهیت را با برداشت خاصی مطرح نموده است. به عنوان مثال جمله - ای که از نظر ایشان خنثی در نظر گرفته شده از نظر دستوری در وجه اخباری است و در سایر موارد نیز وجوه در نظر گرفته شده با دستورالعمل‌های دستوری مطابقت ندارد (فتوحی، ۱۳۹۰، ۲۸۸).

مدرسی نیز وجه فعل را صورتی از ساختار فعل به‌شمار آورده که به اعتبار چگونگی بیان مفهوم آن - که خبری قطعی یا احتمالی را برساند یا بیان‌گر امر باشد - در شمار

قطعیت آن مانند: اگر رفته شمال گردن خودت...- به این نتیجه دست می‌یابد که: « زمان دستوری در زبان فارسی به کمک عوامل بافتی به‌طور فعال در انتقال مفاهیم وجهی از جمله قطعیت، تردید، غیرواقع‌شدگی، ادب، آرزو، قصد و غیره نقش ایفا می‌کند و در نهایت با نگاهی کاربرد شناختی نشان می‌دهد که می‌توان ساختار زیربنایی مشابهی برای همه حوزه‌هایی که در آن زمان دستوری نقش وجهی دارد ترسیم نمود. ساختاری که در آن عناصر بافتی نشانگرهای وجهی و زمان دستوری بر محتوای گزاره تأثیر می‌گذارند و معنایی خاص به آن می‌بخشند» (همان، ۱۳۹۱، ۷۴). مسأله زمان و نقش آن در انتقال مفاهیم وجهی در این مقاله با دقت درخور توجهی مورد بررسی قرار گرفته که لازم است در بحث وجه مدنظر قرار گیرد.

آقاگل‌زاده وجه فعل را در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی مورد بحث و بررسی قرار داده است (آقاگل‌زاده: ۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۳۵). وی با تکیه بر شرح فوکونیه از نظریه فضاهای ذهنی، خاطر نشان کرده که « فوکونیه در آثار خود مفهوم "جهان‌های ممکن" را با مفهوم فضاهای ذهنی جایگزین کرده و چنین ادعا می‌کند که فضاهای ذهنی یک ساخت شناختی است... تئوری فضاهای ذهنی به این موضوع می‌پردازد که ما چگونه زبان را برای ساخت و پردازش معنی به کار می‌گیریم. فضاهای ذهنی به درک یک جمله در بافت مرتبط است...» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳۸) در این مقاله فضاهای ذهنی (جهان‌های ممکن) مجزا از ساختارهای زبانی شناخته شده که « مطابق با اصول راهنمایی که عبارات زبانی فراهم می‌آورند ساخته می‌شوند و عبارات زبانی مختلف مانند بندهای قیدی، بندهای شرطی و نیز جنبه‌هایی از دستور زبان مانند زمان

دستوری و وجه فعل سرنخ‌هایی هستند که به گوینده امکان می‌دهند ساختارهای فضاهای ذهنی را خلق و هدایت نمایند.» (همان: ۱۳۹) نکته قابل توجه در این پژوهش اولاً اشاره به درک فضاهای ذهنی در جمله و بافت است، ثانیاً دسته‌بندی وجوه براساس معنای مرکزی احتمال وقوع فعل در جمله‌های ساده و مرکب. البته مراد از جمله‌های مرکب بیشتر جمله‌های شرطی محتمل و غیر محتمل بوده- و گرنه در اینجا نیز وجهیت همان نگرش گوینده یا نویسنده نسبت به توفیق انجام عمل تعریف شده و برای وجه هم به تعریف دستوریان تکیه شده که تفاوت وجه اخباری و التزامی را امکان یا عدم امکان وقوع فعل می‌دانند.

غلامحسین کریمی دوستان ضمن مقاله‌ای با عنوان « نظام وجهیت در زبان فارسی » ( کریمی دوستان، غلامحسین، ۱۳۹۱: صص ۷۷-۹۸ ) وجهیت را به‌عنوان پدیده‌ای در زبان، نظامی در نظر می‌گیرد که از عناصر متعددی تأثیر می‌پذیرد. وی با تکیه بر تعریف و طبقه‌بندی پورتنر، وجهیت را در سه طبقه: وجهیت جمله‌ای؛ وجهیت زیرجمله‌ای و وجهیت گفتمانی و در سه بعد معنایی: ۱- نیروی وجه (الزام و امکان) ۲- پایه وجه ۳- منبع وجه، به دقت مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این مقاله نظام وجهیت در زبان فارسی با افزودن اسامی وجهی و صفات وجهی به آنچه پیشینیان مطرح کرده بودند در موارد زیر خلاصه شده است:

- اسامی وجهی (مانند احتمال، ضرورت)
- صفات وجهی (مانند احتمالی، ضروری)
- افعال وجهی (مانند احتمال داشتن، توانستن)
- قیود وجهی (مانند احتمالاً؛ بی‌شک)
- زمان (مانند کاربرد آینده محور زمان گذشته ساده)

می‌سازد؛ چون این قطعیت و احتمال، در جمله نمود می-یابد می‌توان نتیجه گرفت که وجه در جمله به سه صورت مطرح می‌شود: خبری، التزامی و امری. و گوینده برای بیان مقصود خویش می‌تواند از عوامل وجه‌ساز متعددی کمک بگیرد که فعل یکی از آن-هاست. بنابراین عواملی که وجه جمله را مشخص می-سازند عبارتند از:

۱- کاربرد فعل‌هایی که بیانگر قطعیت یا عدم قطعیت گزاره هستند (فعل‌های وجه ساز باید و توانستن نیز در این شمار قرار می‌گیرد):

الف- فکر می‌کنم او به دانشکده رفته است. = شاید او به دانشکده رفته باشد.

ب- مطمئنم که او به دانشکده رفته است. = او به دانشکده رفته است.

۲- قیدهایی که بیانگر قطعیت یا عدم قطعیت فعل باشند:

الف- بدون شک او به دانشکده رفته است. ب- احتمالا او به دانشکده رفته است.

۳- استفاده از اسم‌هایی که در بیان قطعیت یا عدم قطعیت فعل نقش ایفا می‌کنند؛ مانند:

الف- احتمال شیوع این بیماری بسیار بالاست. (عدم قطعیت یا امکان). ب- شیوع این بیماری در کشور بسیار بالاست. (قطعیت)

۴- استفاده از صفت‌هایی که بیانگر عدم قطعیت باشند؛ مانند:

یکی از داوران احتمالی این مقاله عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز است = شاید یکی از داوران این مقاله عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز باشد.

۵- شبه‌جمله‌هایی که دلالت بر قطعیت فعل دارند، مانند:

و با طرح این سوال‌ها که: آیا وجه فعلی به‌عنوان مقوله-ای صرفی- نحوی در طبقه‌بندی بالا می‌تواند به‌صورت مستقل مطرح شود؟ و آیا چنین مقوله‌ای به‌تنهایی می-تواند بیانگر وجهیت باشد؟ به‌طورضمنی خاطر نشان کرده است که وجه فعل با توجه به تمام عناصر مذکور معین و مشخص می‌گردد و طرح آن تنها با توجه به فعل علمی نیست. این خود ایده‌ای جامع و قابل توجه است که رعایت آن در دستور زبان نیز ضروری است.

### ۳- جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری:

چنان که ملاحظه شد اکثریت قریب به اتفاق دستورنویسان سستی وجه را ویژگی فعل در نظر گرفته‌اند؛ اما آنان که با دقت بیشتری به این بحث پرداخته‌اند در این که این ویژگی منحصر به فعل باشد شک کرده و با تبصره‌هایی این قانون را نقض کرده‌اند. زبان‌شناسان نیز وجه را ویژگی ساختاری- معنایی فعل در نظر گرفته و به جنبه کاربردی آن اشاره کرده‌اند. در ضمن ملاحظه کردیم برخی از زبان‌شناسان به دستوری یا معنایی بودن وجه اشاره کرده‌اند؛ اما برای وجه از نظر دستوری تعریفی ارائه نداده‌اند و تأمل در تعریف‌هایی که دستورنویسان ارائه داده‌اند، نشان می‌دهد همان نگاه معنایی به وجه را مدنظر گرفته‌اند یعنی مسأله قطعیت یا عدم قطعیت گزاره از جانب گوینده یا نویسنده را وجه تمایز وجه اخباری و التزامی دانسته‌اند.

با جمع‌بندی آرای دستورنویسان و زبان‌شناسان و با تکیه بر شواهد زبانی می‌توان چنین نتیجه گرفت که فعل خارج از جمله با ساخت‌های مختلفی - که خبری، التزامی، امری، وصفی و غیرشخصی (مصدری) نامگذاری شده- وجود دارد. اما وقتی بپذیریم که وجه، نظر گوینده در مورد گزاره است و مقوله‌ای معنایی است که قطعیت، وابستگی، امکان یا ضرورت گزاره را مطرح

حاشا که من به موسم گل ترک می‌کنم = قطعا در این موسم ترک می‌نمی‌کنم.

#### نکته:

- ۱- گاهی به نظر می‌رسد که مثبت یا منفی بودن فعل شبه معین وجه ساز در بیان قطعیت یا عدم قطعیت گزاره نقش دارد. مثلا: - امکان ندارد من در جلسه شرکت کنم (قطعیت) و - امکان دارد که در جلسه شرکت کنم. عدم قطعیت را می‌رساند.
- ۲- در جمله‌های مرکب لازم است توجه کنیم آیا قطعی بودن یا عدم قطعیت گزاره مربوط به جمله پایه است یا پیرو یا باید جدای از هم در نظر گرفته شوند. مثلا در جمله‌های زیر:
- او می‌تواند در جلسه شرکت کند. یا: او نمی‌تواند در جلسه شرکت کند.

فعل "می‌تواند" در جمله پایه، اگر بر جواز دلالت کند یعنی جمله‌های بالا خبر از اجازه داشتن یا نداشتن او می‌دهد و اجازه شرکت در جلسه را دارد، یا ندارد. بنابراین جمله مرکب به اعتبار جمله پایه خبری است؛ اما فعل جمله پیرو به جهت وابستگی التزامی است اما در جمله اول جمله پیرو بیانگر احتمال شرکت در جلسه هم هست در صورتی که در جمله دوم حتما شرکت نمی‌کند. اما اگر فعل "می‌تواند" بر توانایی دلالت داشته باشد هر دو جمله با همین ساخت التزامی بر قطعیت خبر دلالت دارد و فقط وابستگی جمله دوم به اول، فعل جمله پیرو را تبدیل به فعل التزامی کرده است.

- ۳- باید توجه داشت که گرچه فعل التزامی وابسته به فعل دیگری است اما به این معنی نیست که فعل در همه جمله‌های وابسته ساخت التزامی دارد.

مانند: اگررداری به خانه می‌روی من هم با تو می‌آیم.

- ۴- همان‌طور که فعل با ساخت خبری به تنهایی نمی‌تواند از قطعیت انجام گزاره خبر دهد، فعل با ساخت التزامی نیز بیانگر عدم قطعیت گزاره نیست.

دقت در همه این جزئیات نشان می‌دهد که بستر سازنده وجه جمله است. از این رو برای تعیین وجه باید ساخت فعل را به عنوان یکی از نشانه‌های وجه در نظر گرفت. در نتیجه می‌توان مطلب را به این شکل خلاصه کرد که لازم است در بحث مربوط به وجه به عنوان ویژگی فعل تجدید نظر شود و در عوض وجهیت که در واقع مقوله‌ای است معنایی - دستوری، برای بیان دیدگاه گوینده نسبت به گزاره مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر گوینده می‌تواند ضمن توجه به زمان دستوری افعال از سه ساخت اخباری، التزامی یا امری فعل در کنار عوامل متعدد دیگری مانند: افعال وجهی (شبه معین وجه‌ساز)، اسامی، قیود و صفات وجهی بهره بگیرد و دیدگاه خود را نسبت به گزاره بیان دارد.

#### منابع

کتاب‌ها:

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۹۵)، دستور زبان فارسی ۱، تهران، فاطمی، چاپ پنجم.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۹۲)، دستور زبان فارسی ۲، تهران، فاطمی، چاپ سوم.
- خیام پور، عبدالرسول (۱۳۸۸) دستور زبان فارسی، تبریز، انتشارات ستوده.
- شریعت، محمدجواد، (۱۳۷۱)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات نوین.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۳)، *فعل وصفی و تحول آن در زبان فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، شماره ۸۸، صص ۸۴-۵۱.

----- (۱۳۵۰)، *وجه فعل در فارسی معاصر*،

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، شماره ۷۵.

گریمی دوستان، غلامحسین و نگین ایلخانی پور،

(۱۳۹۱)، *نظام وجهیت در زبان فارسی*، پژوهش‌های

زبانی، دوره ۳، بهار و تابستان، شماره ۱، صص ۹۸-۷۷.

نقی زاده، محمود و منوچهر توانگر و محمد عموزاده،

(۱۳۹۰)، *بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان*

*فارسی*، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، دانشگاه

اصفهان، سال سوم، بهار و تابستان، شماره اول،

صص ۲۰-۱.

همایون فر، مژگان، (۱۳۹۲)، *بررسی روند دستوری*

*شدگی فعل‌های وجهی زبان فارسی براساس پارامترهای*

*لمان*، ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۹، صص ۷۳-۵۰.

شفائی، احمد، (۱۳۶۳)، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران، انتشارات نوین.

فتوحی رودمعجنی، محمود، (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی*، تهران، انتشارات سخن.

فرشید ورد، خسرو، (۱۳۹۴)، *دستور مفصل امروز*،

تهران، انتشارات سخن.

قریب، عبدالعزیز و همکاران، (۱۳۷۳)، *دستور زبان*

*فارسی (پنج استاد)*، به اهتمام جهانگیر منصور، چاپ

اول، تهران، انتشارات ناهید.

مدرسی، فاطمه، (۱۳۸۷)، *از واج تا جمله: فرهنگ زبان -*

*شناسی-دستور*، نشر چاپار، تهران، چاپ دوم.

ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۸)، *دستور تاریخی زبان*

*فارسی*، تهران، انتشارات توس.

وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۹)، *دستور زبان معاصر*،

تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

مقالات:

آقاگل زاده، فردوس و زهرا عباسی، (۱۳۹۱)، *وجه فعل*

*در زبان فارسی براساس نظریه فضاهای ذهنی*، ادب

پژوهی، شماره ۲۰، تابستان، صص ۱۳۵-۱۳۴.

رحیمیان، جلال، (۱۳۷۸)، *وجه فعل در فارسی*

*امروز*، مجله ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه

شیراز، شماره ی ۲۸، صص ۴۱-۵۲.

----- و محمد عموزاده، (۱۳۹۲)، *افعال وجهی*

*در زبان فارسی و بیان وجهیت*، پژوهش‌های زبانی، دوره

۴، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۴۰-۲۱.

عموزاده، محمد و حدائق رضایی، (۱۳۹۱)، *بررسی*

*مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی*، پژوهش

های زبانی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان،

صص ۷۶-۵۳.